

مهم‌ترین آثار فلسفی، عرفانی امام

در یک نگاه

اصغر کنعانی

۱. تقریرات فلسفه امام خمینی (ره) (۳ ج) [شرح منظومه و اسفار]، تقریرات آیت‌الله سید عبدالغنی اردبیلی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

حیات علمی امام دارای جهات گوناگونی است که حیات فلسفی عرفانی ایشان از مهم‌ترین ابعاد آن است. متأسفانه به دلایل بسیار از جمله کوتاهی و تحجر و فلسفه ستیزی، این بُعد بیش از دیگر زوایای شخصیت ایشان در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته و ناگفته‌های فراوانی را در خود جای داده است.

امام (ره) به مدت چهار سال شرح منظومه سبزواری را در محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخته و به دلیل برخورداری از عمق فکری و هوش ذاتی از یک سو و بیان شیوا و متقن استاد از سوی دیگر از فراگیری حکمت متعالیه بی‌نیاز شد؛ و به مطالعه اسفار و مباحثه با آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای بسنده کرد.

به دلیل فضای سنگینی که در آن دوره بر علیه فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه وجود داشت، عده‌اندکی حاضر به تدریس و فراگیری این دو دانش بودند. از این رو چگونگی تدریس امام در این علوم خالی از ابهام نیست. آنچه می‌دانیم اینکه پیش از سال ۱۳۰۸ به طور خصوصی یک دور اسفار - به جز مباحث جوهر و اعراض - و سه دوره شرح منظومه تدریس کرده‌اند. آیت‌الله حاج شیخ مهدی حائری یزدی درباره کلاس درسی امام می‌فرماید: «چون آن وقت این چیزها در حوزه‌ی تعلیم و تعلمش رسماً رایج نبود، آقای خمینی خصوصاً و اختصاصاً در منزل خودشان به من درس می‌دادند و گاهی هم در مدرسه‌ی دارالشفاء. بنده یک دوره کامل منظومه پیش ایشان خواندم... به استثنای فکلیات منظومه، فکلیات را ایشان گفتند که باطل است و فکلیات جدید با اینها قابل مقایسه نیست... آقای خمینی می‌گفتند اسفار را نخوانده‌اند، اما آن را با میرزا خلیل کمره‌ای مباحثه کرده‌اند و لذا به نظر من، درس اسفار ایشان خیلی سنتی نبود تا بتوان گفت سلسله سند ایشان در تعلیم اسفار به صدر المتألهین می‌رسد. هر چه بود، حدت و جودت فهم خود ایشان بود که می‌توانست از عهده تدریس اسفار برآید. زیرا این خصوصیت اسفار است که سطح آن



بسیار شیوا و روان است و ژرفای فوق‌العاده بی‌پایه و پیل افکن دارد. شاهد راستین آن حواشی بعضی از محشین اسفار است که نکات مخدوش و غیر وارد به متن بسیار دارد. ایشان علاقمای به فلاسفه مشاء و منطقی نداشت.

درس اسفار ایشان بیشتر جاذبه عرفان داشت. عرفان هم پیش آقای شاه‌آبادی به خوبی خوانده بودند و دائماً هم مشغول مطالعه کتب ابن عربی و غیره بودند. لذا به اسفار هم از نظر ابن عربی نگاه می‌کردند، نه از نظر ابن سینا و فارابی. به کلمات ابن سینا و فارابی که می‌رسیدند، به کلی ناراحت می‌شدند و با توان سرشار عرفانی از تنگناهای فلسفه خارج می‌شدند. روزی که من ایرادی اظهار کردم، ایشان در جواب گفتند: شما باید از این گونه سخنان ابن سینا استبراء شوید. باری بعد از تمام شدن منظومه با دو سه نفر از رفقا... پیش آقای خمینی اسفار را شروع کردیم. ده سال طول کشید که اسفار را خواندیم.»

مجموعه سه جلدی حاضر، تقریرات آخرین دوره شرح منظومه و مباحث نفس اسفار است که توسط امام در سال‌های ۲۸-۱۳۳۳ تدریس می‌شده و توسط مرحوم آیت‌الله حاج سیدعبدالعزیز موسوی اردبیلی به نگارش درآمده است. این مجموعه گرچه کامل نیست، اما از آنجا که هیچ اثر مکتوبی از امام در حکمت متعالیه در دسترس نمی‌باشد و حاشیه بر اسفار ایشان هم مفقود شده، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است.

مؤسسه تنظیم و نشر پس از بازنویسی تقریرات آقای اردبیلی، با تطبیق متن با عبارات شرح منظومه و اسفار بدان نظم داده و به همراه ویرایشی صوری و استخراج منابع ذکر شده در متن، عنوان‌گذاری، شرح حال اشخاصی که در متن بدان‌ها اشاره شده و فهراس فنی متعدد به زیور طبع آراسته کرده است.



۲. تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح‌الانسی؛ امام خمینی (ره)، قم: پاسدار اسلام، ۱۴۰۶ هـ. ق، ۳۲۷ ص.

امام راحل برجسته‌ترین شاگرد و شاید شاگرد منحصر مرحوم شاه‌آبادی است. امام (ره) آن گاه که با این اقیانوس معارف مواجه می‌شود، درخواست می‌کند کلاسی بگذارند تا ایشان از انوار علومشان بهره‌مند شود. مرحوم شاه‌آبادی می‌پذیرند که کتاب اسفار را تدریس کنند. اما امام اظهار می‌دارد که بر مباحث کتاب یاد شده احاطه دارد و از استاد خواست تا شرح فصوص الحکم را تعلیم دهد. یافشاری این طلبه جوان بیست و هفت ساله به نتیجه می‌رسد و به مدت شش این درس ادامه می‌یابد پس از آن آموزش کتاب مصباح‌الانس آغاز می‌شود تا اینکه مرحوم شاه‌آبادی به تهران مهاجرت می‌کند. در طی این سال‌ها امام (ره) بر هر دو کتاب یاد شده تعلیقات گرانبهایی می‌نویسد. این تعلیقات در سال ۱۳۵۵ هـ. ق. آن گاه که امام سی و پنج ساله بود به انجام می‌رسد.

آشنایان با متون عرفانی می‌دانند که فصوص الحکم ابن‌عربی و مصباح‌الانس فناری از عمیق‌ترین منابع عرفانی و کتاب‌های آموزشی عرفان نظری است که در هر عصری انگشت‌شمارند کسانی که بر مضامین این دو کتاب احاطه داشته و بتوانند مباحث آن را برای دیگران بازگو کنند و شرح دهند. بازخوانی و رونویسی تعلیقات امام (ره) در زمان حیات ایشان انجام می‌گیرد و موارد ناخوانا با نظارت ایشان اصلاح می‌شود و با خط بسیار خوش محمدحسن رحیمیان یکجا به چاپ می‌رسد.

تعلیقات ایشان بر شرح فصوص قیصری حاوی مباحث مقدماتی چون: وجود، اسماء و صفات الهی، اعیان ثابت و مظاهر اسمائی، جوهر و عرض از منظر عرفا، عوالم کلیه و حضرات خمس الهی، عالم مثال، مراتب کشف و گونه‌هایش، خلافت حقیقت محمدیه (ص)، نبوت و رسالت و ولایت؛ و تعلیقات و یادداشتهایی بر فص آدمی، فص شیخی، فص نوحی، فص ادریسی، فص ابراهیمی، فص اسحاقی، فص اسماعیلی، فص یعقوبی، فص یوسفی، فص هودی، فص صالحی، فص شعبی، فص لوطی، فص عزیز، فص عیسوی، فص سلیمانی، فص داوودی، فص یونسی و فص ایوبی است.

این تعلیقات تقریباً دو سوم حجم کتاب یعنی ۲۰۶ صفحه را به خود اختصاص داده است. تعلیقات امام به مصباح‌الانس با یادداشتی آغاز می‌شود که بیانگر آن است که ایشان در رمضان سال ۱۳۵۰ هـ. ق. فراگیری این کتاب از محضر مرحوم شاه‌آبادی را شروع کرده‌اند.

مباحث این تعلیقات بدین‌قرار است: حمد و گونه‌های آن، مرتبه جامع میان دو قُرب، مقام کثرت در وحدت و وحدت در کثرت، قرآن و بطونش، رابطه فقه و اصول، گونه‌های سه گانه فتح، اسم مستأثر، شئون الهی، مبادی و مسائل عرفان، کشف واقعی و کشف خیالی، ماهیت ریاضت و آثارش، حال، سر و جودی، تعیین، مقام تلبیس و مقام وجود، اختیار الهی، نقد اندیشه معتزله مبنی بر ثبوت حال، امکان، علت و معلول، چگونگی صدور، حضرت عثمانیه، فیض منبسط، کلی عقلی، رابطه ذات و صفات الهی، حضرات خمس و...

در صفحه ۲۳۳ امام (ره) از یکی از رسائل خود به نام مشکوة الهدایة الی حقیقة الخلافة و الولاية نام می‌برد که گویا همان مصباح الهدایة الی حقیقة الخلافة و الولاية



است که در سال ۱۳۷۲ ش. با مقدمه زنده‌یاد سیدجلال‌الدین آشتیانی به زیور طبع آراسته شده است. پایان بخش کتاب مصادر آیات و روایات و فهرست مطالب است. شایسته بود که فهرست آیات و روایات مجزا می‌شد و از همه مهم‌تر اینکه نمایه‌ای از موضوعات و اصطلاحات عرفانی متن تنظیم و در اختیار خواننده قرار می‌گرفت.

از آنجا که این تعلیقات به زبان عربی است، جا دارد به فارسی روان ترجمه شود تا مخاطبان بیشتری از آن بهره‌مند شوند.

۳. مصباح‌الهدیة الی الخلافة و الولاية؛ حضرت امام خمینی (ره)، با مقدمه استاد سید جلال‌الدین آشتیانی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲.

امام در تعلیقاتی که بر مصباح‌الانس نوشته‌اند از این اثر با عنوان مشکوٰة الی‌الخلافة و الولاية یاد کرده‌اند. وجه تسمیه‌اش به این دو نام آن است که کتاب از دو مشکوٰة تشکیل یافته و هر مشکوٰة حاوی چند مصباح است.

مشکوٰة اول با ۵۶ مصباح شامل این مباحث است: اسرار خلافت محمدیه و ولایت علویه، هویت غیبی احدی، حقیقت غیبی به همراه صفت بطون و اسم الباطن، افتادن متکلمان و فلاسفه در گرداب تشبیه و تعطیل، توحید، اسماء و صفات الهی، فیض اقدس، اسم اعظم، نخستین ظهور، کثرت اسمائی، اتحاد حضرت الهی و غیبت هویت، دیدگاه قاضی سعید در باب جامعیت اسم الله و نقد اندیشه وی در باب صفات و اسماء، حقیقت شب قدر، عماء، اعیان ثابتة، بقاء قدر، انسان کامل، قاعده بسیط الحقیقه در عرفان، حقایق بسیطه نزد ارسطو و قاضی سعید، معرفت نفس و نقد سخن عبدالرزاق کاشانی در باب نبوت.

مشکوٰة دوم حاوی سه مصباح است.

مصباح اول که به بخش‌هایی تحت عنوان نور تقسیم می‌شود، شامل این مباحث است: توفیقی بودن اسمای الهی، تأثیر علل فاعلی، ظهور عوالم وجود، مشیت مطلقه، وحدت و کثرت، احادیث جمع، مخالفت

مؤسسه پژوهش‌های فلسفی و مطالعات فقهی
رسال جامع علوم انسانی

موسی (ع) با خضر (ع)، ظهور حق و مراتب هستی، نسبت حق تعالی با افعالش، تقدیس و تنزیه، امانت الهی، نقد سخن حکیم قمشهای در باب اعیان ثابت.

مصباح دوم با بخش‌هایی تحت عنوان «مطلع» حاوی این موضوعات است: تعیین اول، تعیین روحانیت حضرات معصومین (ع)، دیدگاه حکما و عرفا در چگونگی صدور و نخستین مخلوق، نقد سخن قونوی در باب صدور، احاطه عقل مجرد بر ملک و ملکوت، خلافت عقل کلی، شرح برخی از احادیث، ارکان چهارگانه تولید، بهره ملائکه و انسان کامل از توحید. مصباح سوم با ۱۲ ومیض به این مطالب اشاره دارد: وجود و جوهر خلیفه، حقیقت اسم الله، اسم اعظم در نشئه ظاهری، تحذیر از طعن بر عرفا، بازگشت مسیبات به اسباب، اسفار اربعه و...

امام (ره) در پایان رساله تحت عنوان «خانمه و وصیت» چند بند و اندرز داده‌اند: نخست آنکه نباید این اسرار را بر غیر اهل آشکار کرد نیز مطالعه و فهم این رساله منوط به آن است که پیش از آن در کلمات متألهان غور کرد و از مشایخ عرفا، معارف الهی را آموخت. اصل این رساله ۹۰ صفحه است، اما آنچه بر ارزش آن افزوده و راه را برای درک اقیانوس معارف آن هموارتر ساخته، مقدمه مفصل فارسی زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی بر این کتاب عربی است. ایشان در دیباچه خود درباره این اثر می‌فرمایند:

«یکی از آثار نفیس در مبحث نبوت و ولایت، به طریقه محققان از عرفا و کمال از حکمای اسلامی، رساله مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية اثر سیدسادات و امجد العرفاء و الفقهاء، قدوة الحکماء المتألهین، استاد محقق در حکمت متعالیه، مرحوم مبرور، حضرت امام خمینی، سقی الله تربته، می‌باشد. مرحوم امام خمینی کتاب سرالصلوة که بحق اثری است بی‌نظیر، و شرح دعاه السحر، و اثر حاضر را به زبان عرفان - که لسان خاص این قبیل از آثار است و جز خامه کمال از ارباب عرفان هیچ قلمی را توانایی آن نیست که اثری قابل دوام و کتابی که حق مطلب عرفانی را ادا نماید به وجود آورد - تصنیف فرموده‌اند. نگارنده در مقدمه بر شرح فصوص فیصری، که چاپ آن به پایان رسیده و تعالیق امام (قده) در حواشی همین شرح نفیس چاپ شده، در نحوه تفکر آن محقق عالی مقام در عرفانیات بحث و آثار آن جناب را ذکر کرده‌ام.

اهل حق و حقیقت به این اصل غیر قابل تردید نزد مردم دانا معترف‌اند که در گلزار معانی و حقایقی که چمن آرای فکر بشر به وجود آورده است، هیچ گلی خوشبوتر و دلپذیرتر از گل عرفان نرسته است؛ و اگر در گل‌های دیگر نفع‌های از این گل نرسیده باشد، عطری از آنها به مشام نمی‌آید؛ اگرچه بسیار بوده و هستند جعل صفتانی که از بوی روحانی و نفعه ربوبی این گل مانند شخص مبتلا به زکام که از عطر گل فرار می‌نماید، مشمئزند.

در این اثر منیف از مباحث «توحید» و «علم الاسماء» و مسائل مهمی از قبیل بحث «بدا» و «سر قدر»، علم حق به اشیا قبل از کثرت، به طریقه حکما نیز گفتگو شده است.

زبان کتاب رسا و زیبا و بهجت‌افزاست؛ مسائل غامض و مباحث عالیه نبوت و ولایت در عبارات نسبتاً کوتاه ولی رسا با مهارت تقریر شده است. مصنف عظیم همه جا به لسان خواص از عرفا با عبارات پرمعنا سخن می‌گوید؛ و سعی فرموده است که اثر خود را از صورت رساله در جلباب کتاب مبسوط در نیورد، و از تعرض به مسائل غیر نافع احتراز نموده است. در نحوه سیر یا سریان، و به عبارت دیگر، ظهور حقیقت نبوت تعریفیه و ولایت محمدیه و علویه در کافه ذراری وجود، مطالب دقیق و تحقیقی به قید تحریر آورده‌اند که خاص خواص و در بعضی از موارد ابتکاری است. مرحوم امام، اعلی الله درجته فی المراتب العلمیه و العملیه، در ذوق و سلیقه علمی و پرهیز از ذکر مطالب غیر لازم نظیر ندارند. یکی از علل جاذبه قابل توجه در آن بزرگ زمانه، علاوه بر نظم و ترتیب خاص در درس و بحث، جامعیت او بود. مردی که سالیان متمادی حوزه فلسفی منظمی داشت (تدریس شرح منظومه و اسفار حدود ۱۵ سال) و سطوح فقه و اصول تدریس می‌فرمود، و در عرفان و تصوف نظری و عملی آثار با ارزش تألیف نمودند، بعد از شروع به تدریس فقه و اصول خارج و اجتهادی، در اندک زمانی بهترین و گرمترین حوزه را به خود اختصاص دادند.

از قدیم‌الایام ابتلای به «تک علمی» موجب لطمه شدید به حوزه‌های علمیه شیعه بوده است. و افراد نادر در حداقل از قلیل هستند که در چندین علم استاد و ماهرند: علوم متفاوت، از «عرشی»، چون عرفان و حکمت متعالیه؛ و از «فرشی»، مانند علوم نقلیه.

آنچه که در این مقدمه مذکور افتاد، از حدود سی سال به این طرف در آثار خود به نحو متفرقه ذکر کرده‌ام. و در آثار عرفانی و کتب فلسفی، که طی سالیان متمادی منتشر ساختم، همه جا از آن بزرگ یاد کرده‌ام؛ و از عنایات و الطاف آن بزرگوار نسبت به خود همیشه یاد می‌کنم. از برادر عزیز و سرور گرामी، حضرت حجت‌الاسلام، آقای حاج احمدآقا، ادام‌الله حراسته، متشکرم که این حقیر را در امری خیر شریک و به اداء واجبی موفق گردانیدند.

خوشبختانه این اثر گرانسنگ به همراه فهرس فنی متعدد چون: آیات، احادیث، اشعار، اعلام، کتب، تعابیر و اصطلاحات و مصادر تعلیقات به زور طبع آراسته شده است.

